

کارگران سوسیالیست

شماره ۱۳

قیمت ۱۵ ریال - دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۹

بحران عمیق ترمیمی نشود!

در طی چند هفته گذشته شاهد گسترش چشمگیر اعتراضات شدیدی اقشار گوناگون مردم به سیاست های حزب جمهوری اسلامی و سردمداران آن بودیم. از نامه معروف اصناف تهران به امام که خواستار استعفای رجایی شده بودند، و جزوات و مقالات معروف دکتر سنجابی که بگذریم (اینها اعتراضات پررؤیایی هستند که هراسان از گسترش جنبش توده های ناگهان موضع گرفته اند تا از قافله عقب نمانند). در چندین شهر ایران، هتلاک سخرانی های دکتر بهشتی و آیت و غیره تظاهرات و اعتراضات گسترده ای توسط مردم و زحمتکشان برپا شده است. آنچه مسلم است اینستکه مبارزه بر علیه حزب حاکم و سیاست های آن روز به روز بالا می گیرد.

کشور ما امروز در شرایطی بسیار بحرانی و خطرناک قرار دارد. از یک سو بحران اقتصادی اجتماعی، و مهمتر از آن بحران سیاسی روز بروز عمیق تر می شود، و موج نفرت از رژیم کنونی و سیاست های آن گسترده می شود، و زحمتکشان مسأله شاهد از هم پاشیده شدن تدریجی شیرازه امور از هم هستند. ولی خود را قادر به سازمان دادن مبارزه موثر بر علیه آن و برای حل بحران نمی بینند. و این کمبود اعتماد به نفس در واقع از نداشتن تشکیلات گسترده طبقاتی، و نداشتن برنامه روشنی که راه حل کارگری را برای بحران موجود ارائه کند می باشد. و زحمتکشان ما باید هرچه سریعتر قدم در راه برطرف کردن این نقطه ضعف های اساسی بگذارند.

کارگران و زحمتکشان، با غریزه حساس طبقاتی خود درک می کنند، که در شرایط کنونی، که سطح سازماندهی، آگاهی و برنامه طبقه کارگر به حدی نرسیده که بتواند چشم انداز کوتاه مدت استقرار حاکمیت زحمتکشان در جامعه و ارائه برنامه کارگری به بحران موجود را ارائه کند، وارد شدن در یک جنگ اساسی، که جنگ مرگ و زندگی خواهد بود، با رژیم کنونی نمی تواند به سود زحمتکشان باشد. آنها هنوز حاضر به پسا

گذاشتن در میدان مبارزه نهایی با این رژیم نیستند اما زحمتکشان باید از نکته دیگری نیز آگاه باشند، که بحران عمیق کنونی همانطور که برای آنها غیر قابل تحمل است برای طبقه حاکمه نیز دشوار است. و راه حل سرمایه داری برای این بحران تنها یک راه حل است، و تلاش کردن کاملاً جنبش کارگری و تشکیلات کارگران و روحیه رزمندگی کارگران، و بنا کردن دوباره بساط بهره کشی و استثمار بر ویرانه های جنبش زحمتکشان. برای رسیدن به این هدف، سرمایه داران، امپریالیستها و نمایندگان سیاسی آنها از هیچ جنایتی ابا نخواهند داشت. آنها فشار اقتصادی و اجتماعی را روز بروز بیشتر خواهند کرد، بار بحران را بیشتر و بیشتر برد و شرح صحت کثرت خواهند داد، و در مرتبه مقتضی طبقه کارگر را به داخل یک جنگ داخلی زود رس خواهند کشاد تا ضربه خورد کنند. مبارک و نهایی را وارد آورند. چنین جنگی بالاخره صورت خواهد گرفت. ولی زحمتکشان نباید بدون سازماندهی گسترده و سراسری، بدون وحدت پولادین و سراسری، و بدون برنامه روشن بداخل چنین جنگی کشانده شوند.

برای بحران کنونی، که روز بروز عمیق تر می شود، و زحمتکشان ما را روز بروز بیشتر به کام خود می کشد یک راه حل بیشتر وجود ندارد. استقرار حاکمیت زحمتکشان در جامعه، و سازمان دادن اقتصاد کشور، بر اساس یک برنامه اقتصادی، تحت کنترل زحمتکشان، تنها راه حل بحران سیاسی اینست سرمایه داران ایران و احزاب سیاسی آن نشان داده اند که قادر به ایجاد یک دولت با ثبات که بتواند از مناقع انقباض دفاع کند نیستند. چه آن نمایندگان سرمایه داری که در قدرت هستند، چه آنهایی که مانند رئیس جمهور و "لیبرال ها" در اپوزیسیون هستند. هیچکدام راه حل و برنامه ای برای ایجاد یک دولت انقلابی با ثبات که بتواند از مناقع انقلاب دفاع کند

۱۲۵

در صفحات دیگر...

قانون شوراهای و اتحاد شوراهای ص ۸

آموزش سوسیالیستی: انقلاب مداوم ص ۶

در جبهه چه میگذرد؟ ص ۱۴

از کارگران مناطق جنگ زده دفاع کنیم!

به سانسور و تحریف اخبار کردستان خاتمه دهید!

از کارگران مناطق جنگ زده دفاع کنیم!

این شهرها را در مقابل حملات مزدوران صدام بی دفاع گذاشت. عده زیادی از زحمتکشان آواره شدند و تشکیلات آنها موقتا از هم پاشید. تعداد آوارگان از میان فقط کارگران شرکت نفت بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر است.

دولت که از آغاز تجاوز نظامی تاکنون از پرداخت حقوق کارگران آواره شده خودداری کرده است، و بهناوینی از قبیله فراری و وطن فروشو حتی بدتر از اینها به تحریک مردم بهره‌لرزه کارگران آواره شده دست زد ما ست. و بالاخره آنها را در پی اصطلاح اردوگاههای پناهندگان بدون غذا و پوشش برآورد کرده است. حالا در فکر برنامه‌های جدیدی برای سوزاندن آنها از اوضاع وحشتناکی است که جنگ، و دفاع نکردن دولت در مقابل تجاوز نظامی برای کارگران آواره بوجود آورده است.

اولا دولت کوشیده است که از وجود کارگران آواره برای فشار گذاشتن بر کارگران در سایر مناطق استفاده کند. و در بسیاری از کارخانه‌ها، منجمله پالایشگاه نفت اصفهان اعمال کرده است که اگر کارگران شرایط دولت را بی‌چون و چرانپذیرند بجای آنها کارگران آواره شرکت نفت به کارگمارده خواهند شد!! واقعا که بیشرمی هم حدی دارد!

ثانیا بنظر می‌رسد که دولت وقت را برای متلاشی کردن کامل نفتگران مبارز مغتنم شمرده و با استفاده از پراکندگی و وتعبیت ضعیفی که این کارگران در آن قرار دارند می‌خواهد بین آنها تفرقه بیندازد. عده کثیری، مخصوصا مبارزترین آنها را اخراج کند، و بعد در موقع مقتضی کارگران بی‌سابقه و بی تجربه بجای آنها استخدام نماید. و با این کار هم از پرداخت حقوق عده زیادی از کارگران خودداری نماید و هم جنبش کارگران جنوب را متلاشی کند.

در زیر ما نامهای را که از یکی از کارگران شرکت ملی حفاری ایران در این زمینه بدست ما رسیده، همراه با مصاحبه ای با یکی از نفتگران در همین زمینه بچاپ می‌رسانیم. ولسی قبل از آن تذکر یک نکته ضروری است:

کارگران ایران نباید در مقابل مصائب و بدبختی‌هایی که دولت برای برادران کارگر خوزستانی ایجاد کرده و می‌کنند ساکت بنشینند. به این دلیل که اگر این برنامه‌های دولت پیاده شوند نه تنها یکی از بزرگترین جنایات و فجایع جنگ، بدست دولت خوردمان صورت پذیرفته است، بلکه آواره شدن، و بیکار شدن دهها هزار کارگر مبارز بزرگترین لطمه را به جنبش کارگری در سراسر ایران خواهد زد و تا حد زیادی جنبش کارگری را در سراسر ایران خلع سلاح خواهد کرد. وجود تعداد زیادی کارگران بیکار همواره یکی از مصائب و بلاهای جنبش کارگری است. چون وجود کارگران بیکار، آنها را متحصصر بسا تجربه به سرمایه داران امکان می‌دهد تفرقه و رقابت بین کارگران را افزایش داده و از آن بنفع خود بهره برداری کنند. وجود کارگران بیکار و گرسنه، که حاضرند به هر قیمتی استخدام شوند بطور طبیعی سطح دستمزد را در سراسر کشور پائین

بنا به اخبار رسیده دولت جمهوری اسلامی دست اندر کار پیاده کردن توطئه بزرگی بر علیه کارگران شرکت نفت و حفاری خوزستان است. و برنامه‌هایی تهیه کرده است که اگر اجرا شوند بمعنای اخراج قریب ۸۵٪ از کارگران نفت آبادان و بخش عمده‌ای از کارگران شرکت ملی حفاری ایران خواهد شد. این رژیم ضد کارگری در واقع از مدتها قبل در فکر تصفیه حساب کردن با نفتگران مبارز ما بوده است. و دلیل آن هم کاملا واضح است. رژیمی که می‌خواهد بزرورجیای و سرپیخته نظام استثمار و بهره‌کشی سرمایه‌داری را در ایران در پیستقر کند، وجود کارگران مبارز را نمی‌تواند تحمل کند.

دولت جمهوری اسلامی تاکنون تمام سعی خود را برای خفه کردن مبارزات کارگری و منحل کردن شوراهای واقعی و مبارز، و از بین بردن کارگران مبارز بکار برد. مثلا برای منحل کردن شورای کارخانه چوب و کاغذ چوکا، کل کارخانه را تعطیل ر حدود شش هزار کارگر را بیکار کرده است. نمونه‌های دستگیری و ضرب و شتم کارگران مبارز تحت دولت فعلی بسیارند.

طبیعی است که نفتگران ایران از این فاعده مستثنی نبوده و نیستند. بخصوص که نفتگران ایران جزو پیشروترین و مبارزترین کارگران ماهستند. و در اس مبارزات ضد استبداد که رژیم پهلوی را بزانو درآورد جای داشتند.

از آغاز مستقر شدن دولت جمهوری اسلامی تاکنون دولت تمام کوشش خود را برای جلوگیری از شکل‌گیری و گسترش مبارزات کارگران نفت بعمل آورده و مبارزات کارگران نفت را یکی از دشمنان اصلی خود به حساب آورده است. و حق هم داشته. چگون بدستی می‌داند که کارگران نفت پیشرو و نمونه تمام کارگران خوزستان، بلکه ایران هستند و گسترش مبارزات آنان به معنی آغاز گسترش جنبش کارگری در سراسر خوزستان خواهد بود. و این ناقوس مرگ رژیم ضد کارگری است.

ولی غلبه فشارهای دولت مبارزات نفتگران جنوب، برای دفاع از حقوق کارگر بر علیه استثمار و بهره‌کشی و زورگویی بی‌وقفه ادامه داشته است. مدت کوتاهی قبل از آغاز تجاوز نظامی رژیم صدام کارگران نفت جنوب می‌رفتند تا اولین مجمع سراسری خود را برگزار کنند. و اگر این مجمع برگزار می‌شد، نتایج بحث‌های آن در واقع می‌توانست تعیین کننده برنامه عمل و خط مشی کل جنبش کارگری در ایران باشد. دولت جمهوری اسلامی تمام سعی خود را برای جلوگیری از برگزار شدن این مجمع عمومی بعمل آورد. و در این راه از هیچ اقدام فریادگذار نکرد. متجمله منحل کردن شورای کارکنان شرکت نفت و اخراج تقریبا تمام اعضای شورای، بهناوین کاد و بهانه‌های مسخره. ولی غلبه همه اینها مبارزات کارگران بجلو می‌رفت. تا اینکه آغاز تجاوز نظامی، و سیاست‌های تسلیم طلبانه و خائنانانه دولت در مقابل آن سرقتا مبارزات کارگری را نیز از هم پاشاند. دولت از سازمان دادن هرگونه دفاعی از شهرهای کارگری آبادان و اهواز، و از ساختن سنگر و پناهگاه استناع کرد و زحمتکشان

داشت گفت: "من برای شما سفارش دادام بیمارستان و منزل ساخته شود" دستور داد هم هرچه سرمایه‌تر جاه‌باز حفاری شوند (البته سرمرزها)

من بنام يك حفارگر از شما مسئولین سوال مي‌كنم؟ چرا سرمرزها؟ مگر مملكت ايران كه ۴۸۰۰۰۰ كيلومتر مربع وسعت دارد كم است كه در ۵۰ كيلومتر پخواهيم حفاري كنيم؟ مگر دولت از راند يور هر روز و هوسايت نمي‌شنيد كه يك گسردان از ارتش عراق مثلا به نيلان تاسيسات نفتي حمله كردند؟ مگر خدای ناكرده گروشهاپشان از پنده پير بود همانظوري كه در مقابل خواسته‌هاي كارگران اينچنين پشت مي‌كرديد! مگر شما نميدانيد كه با حركت دادن يك دكل حفاري به سرمرز و با نابودي آن دكل توسط مزدوران آمريكايي بحث عراقيان ۵۰۰۰ نفر از كاركنان شركت ملي حفاري آجر خواهد شد و حيات اين شركت در خطر مي‌افتد؟ خوب حالا هم ما را آنجا رسانيد و گفتيم چشم! و بخاطر حيات اين شركت و بخاطر لگدمال كردن توطئه‌هاي امپرياليزم به رهبران و ... امثال دهلوان رفتيم چرا شما كه مي‌دانستيد خطر حمله نظامي عراق و نابودي كامل تاسيسات شركت ملي حفاري كه از گيت و خونمان است رايحه نيل خواهد داشت ما را مسلح نكرديد و يالا اقل ماسور مسلح با ما نرفتاديد؟ باز هم ما دندان روي جگر گذاشتيم چرا بقتل ۱۰ الي ۱۵ نفر از كارگران غير و شرافتمند ما را مردوران عراق اسير كردند حتي براي يك بار اسبي و ياكلمه اي از راند يور و تلوزيون جمهوري اسلامي پخش نشد؟ ولي بهر حال اينكه آقاي تندگوياي گرفته شد نانه رفقاان كرديد و اسير اسير كرديد. آخر من و كليه كارگران شركت ملي حفاري ايران از شما مسئول مي‌كنيم كه آقاي تندگوياي چه گلي بر سر اين ملت زد كه ما نژديك ۲ تازم دستهاي ما همه گريس و بينه بستاست ولي دستهاي او ماشاالله هزار ماشاالله ...

شما صبح وقت از ستادهاي امداد پشتيباني شركت ملي حفاري سوال كرديد كه چكار مي‌كنيم و يا هيچ كار آنها را ديده‌ايد؟ آيا شما مي‌دانيد كه تقريبا هزار تريلر، كاميون و وانت كه پشتوانه سوابق شركت ملي حفاري هستند يا افراد جان بركت اين شركت در پشت جبهه مشغول انجام وظيفه خطير خود هستند و آن وسايل در حال نابودي و پوسيدگي هستند مي‌برند؟ پس تا به حال ما طبق مدارك موجود حسن نيت و جان فشاني خود را براي تشييع و كلك به سروسامان گرفتن شركت ملي حفاري ثابت كرديم و حالا نوبت شماست!

خوب ديگر قول و شراها وعده و وعيدهاي سرخرومن آقاي ساقيان مدبرعامل شركت هم كهنه شد و جنگ هم شروع شد حالا ديگر برويش رسيد كه به اسم جنگ ما را گوشمالی دهد. او مي‌گفت: "چرا وقتي امام فرموده است تحمّن در اين موقعيت حرام است شما تحمّن كرديد" اما دوران فرمانروايي اين مدبرعامل هم تمام شد كه دولت تصميم گرفت شخص ديگري يا سهره لايق تري را به جاي ساقيان بگمارد. اين شخص كسي جز آقاي محمد رضا شماسي نبود. كسي كه توسط شواري مبارز صنعت نفت بعد از انقلاب تصفيه و اخراج شد ولي مدتي بعد

خواهد آورد. همه با هم بدفاع از كارگران خوزستاني و كارگران نفت جنوب بياييم ...

حقوق كارگران از دست داده شده برداخت بايد گردد. هيچيك از كارگران آواره شده نبايد اخراج گردند

نامه‌اي از نيوتن كارگر شركت ملي حفاري ايران

كارگران شركت ملي حفاري ايران متحد شويد! كارگران سراسر ايران از كارگران مبارز شركت ملي حفاري حمايت كنيد.

من يك از كارگران شركت ملي حفاري ايران هستم. يقين دارم كه با اعلام بخشنامه جديد هيفت مديره شركت ما به شماره ۱۰۰۰۰ مورخه ۱۳۵۹/۹/۱۹ حيات اين شركت در معرض خطر قرار گرفته است. (متن بخشنامه عينا در آخر اين نامه چاپ شده است). طبق همين بخشنامه كاركنان شركت ملي حفاري پيداكناري سابق كه داوطلب ادامه كار در شركت ملي حفاري شده‌اند به دودسته تقسيم شده‌اند: ۱- كاركناني كه سوابق خدمت گرفته‌اند. ۲- كاركناني كه سوابق خدمت نگرفته‌اند.

طبق همين بخشنامه: ادامه اشتغال آندسته از كاركنان شركت هاي حفاري و سرريس دهند كه بايت سوابق خدمت خود و اخراج مزاياني دريافت نكردماند از نظر شركت ملي حفاري ايران. لامانع است. لکن ارجاع شغل با افراد يک بايست مزايای مذکور تسويه حساب نمودماند قانونا با اشكال مواجهه خواهند شد.

روزي كه از جان گذشتگان شركت ملي حفاري با تحمّن خود در دو طبقه دفتر مركزي شركت نفت اهواز، ملي كردن بخش حفاري را به امريكا و اياي دي داخلش تحمّل كردند شخص بنام رمضانپور پاشا از طرف دولت معرفي تا مسائل شركت ملي حفاري حل كنند. آقاي رمضانپور پاشا بعنوان مدبرعامل جديت قبول داد كه حقوق از دست رفته كارگران بايسال تخم شده و كارگران برسر جاهها مي‌روند! اما با آنكه ما كارگران انستيم تا سرمايه داري هست همراه آن وسوسه و وعده بدهيم. چند مدت نگذشت كه آقاي رمضانپور پاشا به ما وعده داد كه واقعا همه ما باورمان شد كه ما در اين شركت با خود چاه بزئيم! آقاي رمضانپور گفت: "سابقا هم از وسايل قطععات يدكي بيايد ما هرچه سرمایه‌تر به جاي دولت شما سوابق سابق شركت ملي حفاري تهيه خواهيم كرد" اما نكردند!!

بعد از آن نوبت به آقاي احمد ساقيان افتاد. چسبون وعده و وعيد هاي آقاي رمضانپور اثری در كارگران نداد يا بهتر بگويم حساي او براي ما ديگر رنگي نداشت پس دولت بهتر آن ديده كه كسي ديگر را با وعده و وعيد هاي جديترو "انقلابي تر" به مدبرعامل جديد انتصاب كند. البته قرعه به اسم احمد ساقيان افتاد چه او در حفاري سابقه زيادي داشت. آقاي فوق الذكر طي يك نشست كه با نمايندگان يكي از شركت ها

خود آقای شماس هم رسید، اما جوایس ما دریافت نکردیم

جز ...
کارگران شرکت ملی حفاری برای تحقق حقوق از دست رفته خود و جلوگیری از اجرای این بخشنامه که اهدای جزئی به خواسته‌های کارگران زحمتکش حفارگر ندارد از کانون شورا های شرکت ملی حفاری ایران قاطعانه پشتیبانی کرد و خواهیم که این بخشنامه مدبرعامل به رای همگانی کارگران مبارز حفاری و خصوصاً به رای کانون شورای سراسری شرکت ملی حفاری گذاشته شود، ما این رای را می‌پذیریم.

کارگران حفاری حیات شرکت ملی حفاری ایران در خطر است - متحد شویم -

کارگران و زحمتکشان ایران صدای کارگران ملی حفاری را به سراسر ایران منتقل کنید -

(نامه يك حفارگر شرکت ملی حفاری ایران)

بخشنامه شرکت ملی حفاری ایران ضمیمه نامه :

جمهوری اسلامی ایران

وزارت نفت

شرکت ملی حفاری ایران

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۹

شماره: ۱۱ - ع - ۵۹

بسم تعالی

بخشنامه

در حال حاضر کارکنان شرکت‌های پیمانکاری سابق که همگی داوطلب ادامه کار در شرکت ملی حفاری بوده و مدتی است که حقوقی بصورت علی‌الحساب دریافت می‌دارند به دسته اصلی تقسیم می‌گردند، عده‌ای که خدمات خود را (کسلاو یا قسما) باز خرید نموده و عده‌ای که از این بابت وجهی دریافت ننموده‌اند و طبیعی است این اختلافات باید هرچه سریعتر بر اساس حقانیت، عدالت و با در نظر گرفتن اصول انسانی رفع گردد.

رفع این اختلافات از طریق پرداخت به بقیه افراد بیکه وجهی دریافت نکردند هر چند که می‌توانست ظاهراً راه حلی ساده و مطلوب و ارضا کننده باشد لکن با توجه به عدم حقانیت آن و شرایط پیچیده اقتصادی میهن اسلامی که با حمله مسزوران بعثی عراق تشدید گردیده و در زمانیکه ملت مسلمان ایران از خرد و کلان با صرفه جویی در ابتدائی‌ترین نیازهای خود دست یاری بسوی رزمندگان شجاع جمهوری اسلامی ایران دراز نموده و در حالیکه تعداد قابل ملاحظه‌ای از هم میهنان، فاقد هر نوع درآمدی می‌باشند، چنین پرداخت غیر منطقی، غیر عادلانه، بمنزله اتلاف تمام تلاشهای امت مسلمان بی‌اخاسته ایران و کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران است. بایستی با احساس مسئولیت در مقابل شرایط خاص اقتصادی میهن اسلامی همانند گذشته درخشان خود باری دیگر با فداکاری و گذشت دست همکاری بیکدیگر بدهند تا با یاری همگان بتوانیم شرکت ملی حفاری ایران را هرچه سریعتر سازمان بخشیده، با

دو باره دولت‌مداران جمهوری اسلامی او را به ریاست امور مالی (یا بحسارت دیگر به ریاست امور دزدی) انتصاب و بدین ترتیب اعضاء شورا هم بلا تکلیف ماندند! طبق بخشنامه‌ای که در آن وقت ما را در سطح کشور به دو دسته تقسیم کردند - ۱- کارگر مسلمان - ۲- کارگر کمونیست -

حالا همین دستها منتها بصورتی دیگر به شیره فریب کارانه همین برنامه را در شرکت ملی حفاری پیاده کرده اند - ۱- آنهایی که سابقه گرفتند، ۲- آنهایی که سابقه نگرفته اند - که آنهایی که سابقه نگرفتند طبق قانون کار شاهنشاهی (ماده ۳۳ قانون کار) استخدام آنها بلامانع و آنهایی که سابقه نگرفته‌اند طبق همین قانون کار در استخدام آنها اشکال وجود دارد!

به کارگران شرکت ملی حفاری ایران هشدار می‌دهم! می‌خواهند بین ما تخم کینه و دشمنی بیندازند و از اتحاد ما که باید قلب امپریالیزم را نشانه گیرد جلوگیری کنند. آخر اینها می‌توانند به يك کارگر رف نيك، یا دريك من مارك کمونیست بودن بزنند. می‌گویند تو سابقه‌های نگرفته‌ای مواظب باش آنهایی که سابقه گرفته‌اند جای ترا بر نکنند. کارگران سد کو و هالی پرتون سابق! ای شمائی که در تاسیس شرکت ملی حفاری پیشگام و جان برکف بودید، حالا هم مثل همان وقتی که تحصن کردیم مشترک و همفکر و همگام و همقدم و متحد به پیش، برای زدن بیست محکمی بر دهان تفرقه افکنان و دست سازان! دولت ما نتوانست حقوق پایمال شد میان را از امریکائی‌ها بگیرد و لسی ما نه تنها از امریکائی‌ها قسمتی از سوابق خود را گرفتیم بلکه قهرمانانه به همت خود مان شرکت های حفاری را ملی کردیم و بدین ترتیب ما کارگران بیانگذار شرکت ملی حفاری ایران بودیم! ما شورا های خود مان را ساختیم هر چند بعضی از شورا های بیان اشکالات و اشتباهاتی داشتند، مثلا شورای شرکت و سپهر سابق " کارگاه شماره ۳ " هیچگاه مسائل را با کارگران در میان نمی‌گذاشت و آنهم بعلمت نا آگاه بودن و روشن نبودن ما کارگران به عده‌ای ناباب که حتی در فرستادن دکل ها به خارج هم دست داشتند رای مشت دادیم.

مدیریت جدید می‌گوید تمام اشخاص و یا کارگرانی که سابقه گرفته‌اند برای رفع هرگونه بی‌عدالتی از هر شرکت پیک نمایندگانتخاب نمایند و از طرف اداره کار با تأیید آقای شماس در مورد مشکلات شرکت ملی حفاری بحث شود (جمل الخالق نمایندگانی واقعی و آقای شماس!)

کارگران شرکت ملی حفاری شما می‌دانید که در این شرایط جنگی جمع کردن کارگران در اهواز آنهم غیر مسلح، خطرات جانی و مالی فراوان دارد و کار بسیار مشکلی است. آقای شماس مدبرعامل جدید شرکت چرا به جای توصیه به کارگرانی که سابقه گرفته‌اند به اینکه دوباره انتخاب مجدد برای نمایندگانی کارگران و مراجعه به او و شور و تصمیم در مورد این اشکالات بکنند، از همان اول از کانون شورا های شرکت ملی حفاری قبلا در این مورد نظر خواهی نکرد. همانطوریکه کانون شوراها اعلام کردند که ما بخاطر تشکیل شرکت ملی حفاری مستقل آماده‌ایم و به تمامی ارگان‌ها نامه فرستادند و حتی این نامه به

تلاش هرچه بیشتر این صنعت عظیم را بکارنداخته شدت محکم بد ها را برده و نشان که اتفاق می نمودند که را رفتن اجانب جفاری مد اید در این منطقه امنیت پذیر نخواهد بود کوبیده باشیم و بسا سمن و کوشش دیگری که از خود نشان خواهیم داد . سهم خود را در این منطقه تقسیم در اضحلال سلطه امپریالیسم جهانی و امپریالیسم امپریالیسم باشیم .

از نظریه منطقه ما برای کار ، کارفرما مخیر است که یا کارگسروا یا برده اجانب خود را ایام بلا تکلیفی بکار سابق بازگرداند و یا بابت سوابق خدمت او بر اساس رای اداره کار با لغو ببرد از دسترس چنانچه کار کارگاه از بین نرود ، تغییر مالکیت ، نام و یا حتی نوع کار باند شرکت دیگری در وضعیت کارکنان نخواهد داشت . بنابراین با توجه به اقدام کار ، ادامه اشتغال آندسته از کارکنان شرکت های دیگری و سرور می دهند که بابت سابقه خدمت و اخراج موافقت دریافت نکردند از نظر شرکت ملی حفاری ایران پلامامی است . لکن ارجاع شغل با افراد بکه بابت سزایای مذکور تمهید حساب نمودند قانونا یا اشکال مواجه می باشد و با آرا صادره از این جهت اختلاف - موضوع ذیل با قانون کار مغایرت

لذا مقتضای این - تعیین تکلیف وضع استنادی و رفع مشکلات موجود در این - و خواهش بابت سابقه خدمت و ریاضت داشته اند باینکه تمام ال اختیار آنان بر اساس ضوابط قانون کار اقتضا - و یا پنجاب معرفی شوند .

۵۹ / ۹ / ۱۹
مصدرها شناسی
مدیر عامل

دستگاه تهیه یاب

ندای کارکنان جنگ زده صنعت نفت

انگیز از مجاهد شماره ۱۰۳

بشما صد وسیع کارکنان یا لا یشگاه آباد از . پیسماز شهر آباد از برای آنچه قرار است . حدود ۱۷ هزار نفر از کارکنان صنعت نفت در آبادان در راه با سایر هم شهویان نشان با جنگ ناخواسته ای روبرو شد .

در این شروع جنگ - مردم شهر ، کوچکترین اطلاعاتی از اوضاع نداشتند و مسئولین نیز که حتی دستورات و رهنمود هائی برای ایمنی به آنها نمی دادند ، به طریق اولی نه اقدامی برای نجات کردن مردم صورت می دادند و نه اقدامی برای سنگر بندی و نه چیزی دیگر . حتی برای جوانان شهر که خود شان اقدام به کندن سنگر کرده بودند مزاحمت ایجاد می کردند و آنها را کنار می زدند . این برخورد ها و سردرگمی ها باعث شد مردم و از جمله کارکنان صنعت نفت به تدریج شهر را تخلیه کنند و به شهرهای نزدیک پشت چشمه نظیر ماه شهر ، مسجد سلیمان ، گچساران

و دیگر شهرها بروند . البته آقای حامدای در شمار جمعه گفت که مردم مرفه آبادان شهر را تخلیه کردند و مردم شهرها نباید آنها را راه بدهند در حالی که در روزهای اول ، بیشتر جمعیت منطقه احمد آباد که از فقیرترین نقاط این است ، به دلیل ویرانی و خرابی خانه هایشان مجبورند از شهر بروند . سپس سوال شد تعداد آوارگان صنعت نفت چقدر است و در کجا ؟ . در ادامه آن اسکان آنها مطابق برنامه بوده است .

در اینجا یکی از نمایندگان گفت : " من از ۱۴ هزار نفر از کارکنان صنعت نفت سوالی با خانواده هایشان در حال حاضر آواره هستند . اسکان ، مطابقت نوع پوشاک و مسکن و مسئولین مسئولیت به شیوه کوچگون قدس برای آنها برتبه شده اند بلکه بیشتر باعث مزاحمت ، تهدید و افترا شده اند . بهترین نمونه از برخورد هائی که در شهرهای مختلف از طرف مسئولین مسما همکاران ما شده است ، در شیراز است که امام جمعه آن شهر آقای دستگیر اعلام کرد : " بروی آبادانی ها تلافی بکنید از بدنامی امام جمعه ای اصحاب گفت : " آبادانی ها بی غیرتند و دستسوزم باید آنها را بزنند . سباه شیراز نیز نشانی اعلام کرد که : " زنان آبادانی شهر را بیهوشان کنید " .

از این سو ها ، وجهه جادو شده است . آیا مردم باور می کنند این رفتارها و برخوردها که رژیم شاهنشاهی را شکستند ، این لاوردانی که به قول علی شریعتی ، نقشه های در پیروزی انقلاب داشتند حالا سنگریزه بی عیون شده و زنان شان قاتل باشند ؟ ! چرا باید به رویشان نگاه انداخته شود ؟ ! البته باید بگویم که مردم که این ترحم به این ها نکردند ، در اینجا یکی دیگر از نمایندگان گفت : " در حالی که بهترین هتل ها برار ما ، و راه های دولتی در شیراز ریزه شده بود و آنها از بیابان اسکان بی خودی بودند ، کارکنان صنعت نفت و سایر مردم ، در اسکان بیجاها ، مساجد و حیاطا چنت خوابگاه ، بدون حداقل امکانات در بند بودند . ششلا هم شیراز افراد شرکت نفت ، آلرک های شاه چراغ بودند . کسبه مسئولین صحیح روزی به زیر آنها انداخته و آنها را بزرگ کرده بودند . در اسکان آبادانی روی قبرهای زندگانی می کنند . و یا در شیراز که یکی ، دو خوابگاه برای اسکان در نظر گرفته شده بود ، زنان و افراد کمتر از ۱۴ ساکن در آنجا بودند و بقیه ی افراد خانواده مانند بزرگ اسکان بایشن به ملاقات آنها می رفتند . من خودم یاد دارم من غذای آنها را دیدم یک سیر ماست و خردل و حبنا بود حالا بگویم از نیشم های رنگارنگ تلویزیون که صحبت از کف و اندام می کنند در تهران همکاران ما به هر کجای رفتند با جوامع سوالاتی ریزه شده اند مثلا شخصی به نام " زوارهای " که سوال غلیظی میاد امنیت تهران است و وقتی با همکاران ما روبرو شد و تقاضای آنها را برای مسکن شنید به آنها برخاش کرد و گفت : " شماها را باید از تهران بیرون کرد ما شما را بیرون می اندازیم " . بعد از آن کارکنان مجبور می شوند خود شان اقدام کنند و خوابگاه های را در دهکده ای المیک بگیرند ولی با اسلحه سواخ آنها می روند ، سوخت و برقی آنها را قطع می کنند و از طرف شاه امنیت تهران و بخش وزیری دستسوز

که ما تمام کارکنان صنعت نفت چه در آبادان و چه در شهرهای دیگر با تمام وجود از همکاران زیر پوشی خود دفاع می کنیم . اگر وزارت کار ، قدرت ایجاد کار دارد برای ۲ میلیون بیکار که الان وجود دارند کار پیدا کند . مسلماً این توطئه ای است که در این زمان به علت شرایط جنگ مناسب دیده اند . آن را اجرا کنند و ۴ هزار نفر از زحمتکش ترین افراد را اخراج نمایند .

در اینجا سوال شد در پالایشگاه اصفهان روسا و مدیران ، کارکنان را تهدید کرده اند در صورتی که مطابق میل آن ها کار نکنند اخراج شده و به جای آن ها ، کارکنان جنگ زده ای صنعت نفت به کار گرفته خواهند شد . نظر شما در این مورد چیست ؟

یکی از نمایندگان جواب داد : "بله این حرفه ای است که این ها به دست گرفته اند تا بین کارکنان اختلاف بیندازند و آن ها را به هم بد بین کنند . یکی از وظایف ما در جلسه آینده می سورا های کارکنان جنگ زده این است که این ساله را مطرح کنیم و این توطئه را افشا کنیم و نگذاریم روسا به وسیله ای ما خواسته های به حق و عادلانه ای دیگر کارکنان را سرکوب نمایند .

در پایان از نمایندگان سوال شد : مشکلات و خواسته های مشخصان چیست ؟

یکی از نمایندگان پاسخ داد : "خواسته های ما که امروز از طرف کلیه کارکنان جنگ زده مطرح کردیم عبارتند از :

- ۱- اقدام فوری و قاطع جهت اسکان دادن بیست و شش هزار نفر از کارکنان جنگ زده صنعت نفت و تهیه سوخت و خواربار لازم برای آن ها در تهران و سایر شهرستان ها .
- ۲- پرداخت تمامی دستمزدها و مزایا به کلیه کارکنان رسمی و زیر پوشش .
- ۳- لغو تصمیم وزارت نفت مبنی بر اخراج کارکنان زیر پوشش .
- ۴- اقدام برای کارایی کارکنان جنگ زده در صنعت نفت و یا در صنایع دیگر .

داد می شود در راه به روی آنها ببندند و آنها را بیرون بریزند و افراد چند روزه عبور می شوند از پنجه داخل و خارج شوند . خلاصه بگوئیم یکجا ما را فراری قلع داد می کنند ، یکجا مستکبر و جایی دیگر فاسد و بی غیرت !

سوال شد : مسئولین صنعت نفت تا چه حد به وضعیت کارکنان رسیدگی کرده اند و چه برنامه ای برای این کار دارند ؟

یکی از نمایندگان در پاسخ گفت : "برخوردی که مسئولین صنعت نفت با ما داشته اند به این شکل بوده که وزیر نفت در ۲۷ مهرماه طی بخشنامه ای اعلام کرد کارکنانی که بیش از ۲۰ روز غیبت داشته اند اخراج هستند و افرادی که بین ۱۵ تا ۲۰ روز غیبت داشته باشند به حالت تعلیق در خواهند آمد . با این حساب حدود ۸۵٪ کارکنان اخراج می شدند . البته آقای وزیر در برابر مخالفت شدید کارکنان در شهرستان های مختلف ، مجبور شد حرف خود را پس بگیرد و در تاریخ ۸/۷ بخشنامه ای دیگری صادر کرد و قول داد برای اسکان و رفع مشکلات کارکنان اقدام کند . اما بدست آمدید که یک ماه پس از صدور این بخشنامه در شیراز فقط ۹ خانوار شرکتی ، آن هم در تخت جمشید اسکان داده شده اند و در شهرهای دیگر نیز وضع از این بدتر است . برنامه ای هم که اینها برای ما تدارک دیده اند فقط برای اخراج ، بازنشسته کردن و کسر دستمزد است مثلاً قرار است ۳ هزار کارگر و ۲ هزار کارمند را بازنشسته کنند . چند روز پیش هم اعلام کردند که حدود ۴ هزار نفر از کارگران زیر پوشی که عمدتاً عرب هستند و از زحمتکش ترین و فقیرترین اقشار صنعت نفت می باشند از صنعت نفت اخراج شده و ... وزارت کار سپرده شده اند . عدای از این کارکنان که مربوط به کارخانه های شیمیائی پارسرگاد هستند و کارخانه ای آنها در روزهای اول جنگ ویران شده است به مسئولین وزارت نفت مراجعه کردند ولی آن ها جواب دادند : "وقتی کارخانه نباشد دیگر کارگر می خواهیم چه کار کنیم ؟" در واقع آن ها تا وقتی به کارگر احتیاج دارند که کارگر شیرهی جانش را روی کالای تولیدی تحویل آن ها بدهد !! ولی ما در اینجا اعلام می کنیم

برای چاپ و پخش
کارگران سوسالیت
به کمکهای مالی شما
نیازمندیم .

کارگران مبارز ، با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفع آن ، چاپ و پخش نشریات همچون سایر مایحتاج زندگی بشکل سرسام آوری بالا رفته است . ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسالیت را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک های مالی شما داریم . نشریه کارگران سوسالیت ، نشریه ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان ، نشریه ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می شود . اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید .

به سانسور و تخریف اخبار کردستان خاتمه دهید!

به عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق در جبهه های سرزمین برای انقلاب ایران يك پیروزی محسوب می شود . اما زمانی که دولتمداران فریاد پیروزی را سر می دهند ، بک واقعیت را از زحمتکشان ایران پنهان می کنند . ارتش عراق که در جبهه جنوب شکست خورد ماست ، در جبهه غرب تا ۸ کیلومتری مرزبان پیشروی کرده است .

ارتش عراق ، در منطقه ای از کردستان قادر به پیشروی شده است ، که در تحت اشغال نیروهای دولتی مرکزی ، در تحت کنترل پادگان مرزبان قرار داشته است . از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق ، کردستان سنگر مستحکم انقلاب ایران محسوب می شد . نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد ، قهرمانانه علیه هرگونه تجاوز دولت عراق به انقلاب کردستان مسلحانه مقاومت می کردند . همانگونه که در خرمین شهر تا زمانی که مسردم مقاومت می کردند ، ارتش عراق کوچکترین موفقیتی نتوانست بدست بیاورد . ارتش عراق در مقابل با جنبش ملی خلق کرد ناکام بود . اما زمانی که مقاومت جنبش ملی خلق کسرد توسط محاصره اقتصادی و حملات وحشیانه ارتش تضعیف شد ، زمانی که اطراف مرزبان در اشغال ارتش دولت مرکزی قرار گرفت ، ارتش عراق به آسانی و بدون هیچ گونه مقاومتی تا ۸ کیلومتری مرزبان نفوذ کرد .

ستولیت پیشروی ارتش عراق تا ۸ کیلومتری مرزبان مستقیا با دولت مرکزی است . جنگ تحمیلی به خلق کرد ، سرزمین نیروهای مسلح پیشمرگه جنبش ملی ستمدیدگان کرد ، مقاومت انقلاب ایران را در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق تضعیف کرده است . ادامه چنین سیاستی به شدت انقلاب کردستان و به دنبال آن شکست انقلاب ایران را مقرر خواهد شد .

برای به عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق ، روح فوری و بدون قید و شرط ارتش و سپاه پاسداران از کردستان ضروری است . پایان جنگ تحمیلی به خلق کرد ، به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای کبب ملت‌های ستمدیده و پایان دادن به اشغال نظامی کردستان ضروری است . نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد توانایی مقابله با حملات دولت عراق را دارند . دولت مرکزی باید نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد را به سلاحهای سنگین مجهز کند و به جنگ تحمیلی و اشغال نظامی کردستان بدون هیچ گونه تید و شرطی پایان دهد .

سیاست دولت مرکزی در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران سیاست شکست طلبی است . رژیم جمهوری اسلامی چهار ماه پس از آغاز تهاجم نظامی کوچکترین قدمی در راه سازماندهی موثر مقاومت ، در راه بسیج متحد و مسلحانه کلیه کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان برنداشته است . سردمداران حکومتی بجای پایان

بخشیدن به جنگ تحمیلی به خلق کرد ، بجای به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد ، بجای پایان بخشیدن به اشغال نظامی کردستان ، بجای مسلح کردن نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد به سلاحهای سنگین ، به سرکوب وحشیانه تر جنبش ملی خلق کرد ، به قتل عام روستائیان بی گناه (قارناش) ، به محاصره اقتصادی کردستان روی آورده اند . آنها برای توجیه سیاستهای ضد انقلابی خودشان ، برای آنکه جنبش ملی خلق کرد را از انقلاب ایران جدا بنمایند ، به بیشرمانه ترین دروغها متوسل شده اند .

در یکی دو هفته گذشته مطبوعات رسمی دروغگویشی علیه رهبرهای سیاسی جنبش ملی خلق کرد را ، به آخرین حد وقاحت و بی شرم رسانده اند . آنها به دروغ حزب دموکرات و شیخ مرزبان حسین را به همکاری با دولت عراق متهم کرده اند . آنها شایعه اعلام جمهوری مستعسلی کردستان را توسط حزب دموکرات و با پشتیبانی دولت عراق در بر بهمن ساخته اند . حزب دموکرات کردستان رسماً کلیه این شایعات را توسط راديو تفتیب کرده است .

دولتمداران برای توجیه سیاستهای ضد انقلابی خود آشکارا به توده های زحمتکش ایران دروغ می گویند . آنها به جنبش ملی خلق کرد اتهام سازش با دولت عراق را می بندند تا بتوانند به سپاه مبارزه علیه تهاجم نظامی دولت عراق نیروهای مقاومت انقلاب ایران را سرکوب کنند . آنها رسماً متوسل شدن به این دروغهای آشکار ، شکست مفتضحانه نیروهای اشنالگر کردستان را از ارتش عراق پنهان می کنند . کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران باید بتوانند از کلیه حقایق اطلاع ییاد کنند تا در دام سیاستهای ضد انقلابی سردمداران دولتی قرار نگیرند . باید به سانسور اخبار کردستان ، به توفیف مطبوعات زحمتکشان پایان داده شود .

سرنوشت انقلاب کردستان ، با سرنوشت انقلاب ایران گره خورده است . شکست انقلاب کردستان ، زمینه را برای سرکوب انقلاب ایران آماده خواهد کرد . کارگران و زحمتکشان ایران ، برای حفظ ، گسترش و تداوم انقلاب خودشان باید پیوند خود را با ستمدیدگان کرد هر چه بیشتر مستحکم کنند . سیاستهای دولت جمهوری اسلامی ، سیاستی تفرقه افکنی ، میان جنبش ملی خلق کرد و انقلاب ایران است . کارگران و زحمتکشان ایران باید قاطعانه علیه سرکوبگرهای دولت مرکزی ، علیه ستم به ستمدیدگان کرد مبارزه کنند . آنها باید برای اتحاد کلیه کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان علیه استبداد حاکم ، علیه نظام پوسیده سرمایه داری ، علیه سلطه امپریالیزم مبارزه کنند .

کارگران و زحمتکشان ایران تنها با مبارزه علیه هرگونه

قانون شوراها و اتحاد شوراها

داشتند شنیدن چند قول و وعده و وعده از وزیر کار بود از جمله قانونی نمودن شوراها و کمی نصیحت در مورد همکاری با کارفرما!

در این جلسه نمایندگان بیش از ۸۰ شورای کارگری نتوانستند بطور متحد و یکپارچه خواستههای طبقه کارگر را مطرح کنند، علت آنهم واضح بود قبلاً نمایندگان شوراها بیش از ۸۰ کارخانه خواستههای خود را به بحث و تبادل نظر میان یکدیگر نگذاشته بودند. آنها از خواستههای مشترک یکدیگر، از طرحها و پیشنهادات یکدیگر کمتر آشنایی نداشتند. چگونه آنها میتوانند برنامهدارانه و پیشنهادات واحدی را ارائه کنند!

قانون کار، طرح طبقه بندی مشاغل، سود و بهره، اخراج کارگران، بیکاری و ... همه مسائلی هستند که جنبش شورایی کارگران با آنها روبرو است. نماینده شورای کارگران کیان تایر آقای کشاورز در همان جلسه معارفه با وزیر کار پیشنهاد می کند که: "قانون کار - طبقه بندی مشاغل - قانون شوراها و ... نه فقط به نظر خواهی گذاشته شود بلکه با مشارکت خود شوراها تنظیم و تدوین گردد." ولی در آن جلسه معارفه، که توسط قانون شوراها، کارگران برگزیده شده بود، کارگران هیچ طرحی از پیش تدوین شده ای را نداشتند که ارائه دهند. آنها از خواستههای مشترک خود کوچکترین اطلاعی نداشتند.

۱ اتحاد سراسری شوراها، کارگری فوری ترین وظیفه ای است که در برابر جنبش شورایی کارگران قرار دارد. اتحاد سراسری شوراها نه تنها برای ارائه راه حل مسائلی انقلابی طبقه کارگر به مسائلی که امروزه جنبش شورایی کارگران با آن روبرو است، مسائلی مانند طرح طبقه بندی مشاغل، قانون کار، سود و بهره و ... ضروری است بلکه قدم مهمی در راه استقلال سیاسی طبقه کارگر خواهد بود. گام مهمی در راه ارائه برنامه مستقل طبقه کارگر به کلیه مسائل انقلاب ایران و مسائل توده های وسیع زحمتکش و ستمدیدگان جامعه خواهد بود. رهبری هایی در درون جنبش شورایی کارگران مانند رهبری قانون شوراها، اسلامی، که بجای آنکه چشم انداز استقلال سیاسی طبقه کارگر را در نظر بگیرند، به جناح های مختلف هئیت حاکم چشم دوخته اند خود به مانعی در راه اتحاد طبقه کارگر و ارائه برنامه مستقل طبقاتی تبدیل شده اند ■

حق این ملیتها برای جدایی کامل از دولت ستمگر نیست می شود. خلق کرد حق اینها دارد که برای تعیین سرنوشت خود، از دولت جمهوری اسلامی دولتی که به آن ستم می کند جدا شود. کارگران آگاه تحت هیچ شرایطی و به هیچ بهانه ای از سرکوب ملیتهای ستمدیده توسط دولت سرمایه داری خودشان پشتیبانی نخواهند کرد. این تنها سیاست انقلابی است که به اتحاد زحمتکش منجر خواهد شد.

تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق، بحران عمیق اقتصادی و سیاسی انقلاب ایران، ضرورت اتحاد طبقه کارگر را بیش از گذشته مطرح کرده است. برای عقب راندن تهاجم نظامی، برای پاسخگویی به کلیه ضرورتهای انقلاب ایران طبقه کارگر باید با برنامه مستقل خودش، با اتحاد و یکپارچگی خود، راه حل مسائلی پیشبرد انقلاب را نشان دهد.

برای پاسخگویی به این ضرورت اتحاد سراسری شوراها، نمایندگان منتخب کارگران کارخانجات ضروری است. قانون شوراها، اسلامی کارگران، یکی از مهمترین تشکلات کارگری ایران محسوب می شود. بخش مهمی از طبقه کارگر توسط این قانون به اتحاد نسبی دست یافته اند. اما رهبری قانون شوراها، اسلامی هم اکنون خود به مانعی در راه اتحاد و شکل هر چه بیشتر طبقه کارگر تبدیل شده است.

هم اکنون علاوه بر قانون شوراها، اسلامی مستقر در خانه کارگر، قانون هماهنگی شوراها، اسلامی مستقر در پلی تکنیک بخش دیگری از جنبش شورایی کارگران را متحد کرده است. ضرورت اتحاد این دو قانون هم اکنون بیش از گذشته مطرح است. ولی هیچ یک از رهبریهای این دو قانون تاکنون در راه اتحاد جنبش شورایی کارگران کوچکترین قدمی برنداشته اند.

برای اتحاد سراسری شوراها، کارگری، برگزینی کنگره های مختلف میان شوراها، نمایندگان مختلف در سطوح مختلف، منطقه، شهر، استان و کنگره های سراسری شوراها، برگزاری کنگره های شوراها در رشته های صنعتی مشابه هم ضروری هستند. اما رهبری قانون شوراها، اسلامی که در برگزاری چنین کنگره هایی باید نقشی مرکزی اجرا کند، از فرصتی که برای برگزاری کنگره مشترک شوراها، نمایندگان بیش از ۶۰ کارخانه بوجود آمده است، جهت برگزاری جلسه معارفه با وزیر جدید کار استفاده نمی کند.

در تاریخ ۱۲/۱۰/۵۹ قانون شوراها، اسلامی بدون هیچ گونه تدارک تبلی جلسه معارفه و گفتگو میان وزیر کار آقای میر محمد صادقی و نمایندگان شوراها، بیش از ۸۰ کارخانه برگزار می کند. نتیجه این گرد هم آیی برای اکثر نمایندگان شوراها، کارخانجاتی که در آن حضور

به سانسور...

ستم، تبعیض، و استثمار می توانند کلیه نیروهای خود را متحد کنند. آنها با مبارزه علیه ستم به خلق کرد، با رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملیتهای ستمدیده می توانند به اتحادی خلل ناپذیر با ملیتهای ستمدیده ایران دست یابند.

حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای ستمدیده، شامل

آموزش سوسیالیستی: انقلاب مداوم

روبرو کرده است. تنها راه خروج از بحران کنونی، تنها راه خروج از بن بست، تداوم انقلاب است.

بحران انقلاب ایران

ریشه های بحران انقلاب ایران را باید در ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در پاسخگویی به نیازهای توده های زحمتکش و ستمدیده، در ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در حل تکالیف انقلاب ایران جستجو کرد. رژیم جمهوری اسلامی از اولین روزهای استقرار خود با بحران های بی دریغ سیاسی روبرو بوده است. بارها ترکیب کابینه های دولت عوض شده اند، ترکیب شورای انقلاب عوض شده است، کابینه های مختلف در آستانه سقوط قرار گرفته اند و یا سقوط کرده اند. اما بحران سیاسی رژیم جمهوری اسلامی بجای آنکه حل شود هر بار شدیدتر شده است.

بحران رژیم جمهوری اسلامی، از ناتوانی رژیم سرمایه داری حاکم در حل تکالیف انقلاب ایران، از عجز و ناتوانی این رژیم در پاسخگویی به نیازهای توده های زحمتکش و ستمدیده، جامعه ناشی می شود.

تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران به خوبی عجز و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی را در پاسخگویی به ضرورت های انقلاب نشان داده است. برای به عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی بسیج مسلحانه و متحد کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران ضروری است. رژیم جمهوری اسلامی که با توده های کارگر، زحمتکش و ستمدیده تضادهای عمیق دارد، از سطح کردن آنها بیش از پیروزی تهاجم نظامی امپریالیستی می ترسد، عجز و ناتوانی خود را در پاسخگویی به این ضرورت ابتدایی ترین ضرورت انقلاب یعنی بسیج مسلحانه، توده های نشان داده است.

مرکزی ترین وظیفه انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیزم مانند ایران، پایان دادن به سلطه امپریالیزم و عقب افتادگی ناشی از این سلطه است. حل وظایف انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیزم از عهده هیچ رژیم سرمایه داری بر نمی آید.

ادغام بازار جوامع تحت سلطه در بازار جهانی سرمایه، که در دوران جهانی شدن نظام سرمایه داری، دوران امپریالیزم صورت گرفته است، عقب افتادگی را بر این جوامع تحمیل کرده است. ادغام بازار جوامع تحت سلطه، در بازار جهانی سرمایه، اقتصاد ملی این جوامع را متلاشی کرده و تولید در این گونه جوامع را در خدمت نیازهای سرمایه داری جهانی قرار داده است. طبقات دارا در جوامع عقب افتاده، سرمایه داران و زمین داران بزرگ، موقعیت اجتماعی خود را

بحران عمیق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی انقلاب ایران برکسی پوشیده نیست. چهار ماه پس از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق، هنوز برای سازماندهی موثر مقاومت علیه این تهاجم، توده های وسیع کارگران زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه، بسیج نشده اند، آموزش نظامی ندیده اند و مسلح نشده اند. طولانی شدن جنگی که می توانست به پیروزی سریع انقلاب ایران منجر شود، انقلاب ایران را فرسوده می کند.

بحران کشاورزی به ورشکستگی کشاورزی تبدیل شده است. بحران اقتصادی هر روز وخیم تر می شود، افزایش سرسام آور هزینه زندگی، متوقف شدن تولید، گسترش روزافزون بیکاری، کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه را هر روز به فقر و فلاکت بیشتری دچار می کند.

بحران اجتماعی و فرهنگی که گریبان انقلاب ایران را گرفته است جامعه را به سمت انحطاط کامل سوق می دهد. تعطیل دانشگاه ها، تعطیل مراکز آموزشی ابتدایی در بعضی مناطق تغتیش خداید، رفتارهای غیر انسانی و وحشیانه مانند شکنجه زندانیان، تحصیل فرهنگ و حرمانت عقب افتاده و فاسد و نسطایی بر جامعه، اجزای سحارات های وحشیانه (سنگسار کردن، شلاق زدن) تحقیر شخصیت انسانی زنان، تحمیل حجاب اجباری، کتابسوزی، سرکوب خلاقیت های هنری و حرام کردن موسیقی، نقاشی، (تحصیل فرهنگ بد رسالارانه و قیومیت، روحانیت بر کلیه مسائل مردم، به انحطاط فرهنگ، دانش و هنر منجر خواهد شد.

بحران سیاسی انقلاب ایران از همه واضح تر و روشن است. استبداد حاکم بحران انقلاب ایران را به مرحله انفجاری کشانده است. بود ررویی دولت سرمایه داری حاکم با جنبه ها، حرکات و خواست های برحق کارگران زحمتکشان و ستمدیدگان هر روز اشکال خشونت آمیزتری به خود می گیرد. سردمداران استبداد سیاست دامن زدن به جنگ داخلی را دنبال می کنند. آنها جنگی را که به ستمدیدگان کرد تحمیل نمودند، اکنون به سراسر ایران گسترش می دهند. بحران سیاسی حتی میان سرمایه داران حکومتی شکاف انداخته است.

انقلاب ایران، یکی از عمیق ترین و توده های تریس انقلاب های دوران کنونی، انقلابی که توده های وسیع دها میلیونی مردم کارگر، زحمتکش و ستمدیده ایران را به حرکت در آورد، آنها را تکان داد و وارد صحنه بیکار سیاسی و مبارزه طبقاتی نمود، دچار یکی از عمیق ترین بحران های زندگی حیدر شده است. سیاست های جنایت کارانه سردمداران حکومتی، عدم سازماندهی مقاومت موثر در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق از یکسو و سیاست سرکوب کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان، سیاست دامن زدن به جنگ داخلی، انقلاب ایران را با خطر شکست

مدیون سلطه امپریالیزم بر این جوامع هستند. آنها خود به زائده های نظام سرمایه داری جهانی در جوامع تحت سلطه تبدیل شده اند. منافع طبقات دارا در جوامع تحت سلطه امپریالیزم، در گرو حفظ سلطه امپریالیزم قرار دارد. بنابراین این در جوامع تحت سلطه امپریالیزم هر رژیمی که از منافع طبقات دارا، از منافع سرمایه داران انگل و زمین داران بزرگ و منتخوردفاع کند، خود به مانعی در راه حل تکالیف وظایف انقلاب در این جوامع تبدیل می شود.

بحران انقلاب ایران، از حاکمیت رژیم مدافع منافع طبقات دارا، مدافع منافع سرمایه داران و زمین داران از حاکمیت رژیمی که از سلطه روابط پوسیده سرمایه داری دفاع می کنند ناشی می شود.

انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه

رژیم جمهوری اسلامی و هر رژیم سرمایه داری دیگر - راز حل وظایف انقلاب ایران عاجز هستند. وظایف انقلاب ایران و وظایف انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم هستند. وظایف انقلابی در جوامع تحت سلطه امپریالیزم، یعنی رهایی از سلطه امپریالیزم و پایان بخشیدن به عقب افتادگی و کلیه کثافات ناشی از این سلطه، تنها با سرنگ کردن نظام پوسیده سرمایه داری و برنامه ریزی اقتصادی ممکن است. بنابراین وظایف انقلاب در این جوامع به وظایف دوگانه تبدیل می شوند. به عبارت دیگر وظایف انقلاب در این جوامع ترکیبی از وظایف دموکراتیک و سوسیالیستی خواهد بود. انقلاب در این جوامع، انقلابی مداوم خواهد بود.

پایان بخشیدن به عقب ماندگی ناشی از سلطه امپریالیزم، به یک معنی حل کلیه وظایف انقلابی است که در دوران رشد سرمایه داری بر عهد انقلابات بسوزوروا - دموکراتیک بوده است. یعنی پایان بخشیدن به کلیه روابط و مناسبات ماقبل سرمایه داری که هنوز در این جوامع وجود دارند. جنبه دیگر پایان بخشیدن به عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم، رهایی از سلطه امپریالیزم و خروج از بازار جهانی امپریالیستی، برنامه ریزی اقتصاد، یعنی پایان بخشیدن به نظام پوسیده سرمایه داری را در بردارد.

انقلاب ارضی: حل مسئله کشاورزی در جوامع عقب افتاده یکی از مرکزی ترین وظایف انقلاب را تشکیل می دهد. در این جوامع در کنار تولید پیشرفته صنعتی، شرکت های عظیم کشت و صنعت، که تولید در آنها توسط کارگران کشاورزی صورت می گیرد، روابط پوسیده ماقبل سرمایه داری روابط فئودالی یا شبه فئودالی تولید نیز وجود دارد. حل مسئله زمین و دیگر مسائل تولید کشاورزی توسط شورا های دهقانی در دستور کار انقلاب در این جوامع قرار می گیرد. رهایی دهقانان از سرزمین داران بزرگ، نزول خواران، واسطه ها و میدان داران برای بهبود تولید کشاورزی، ضرورت ارائه وام های کم بهره و بی بهره، تشویق دهقانان به تشکیل شرکت های تعاونی روستایی، استفاده از وسایل مکانیزه کشاورزی و کشت جمعی را بوجود می آورد. ضرورت مداخله

دولت در تولید کشاورزی و در نتیجه ملی کردن بانک ها، صنایع تولید ماشین آلات کشاورزی، صنایع تولید کود های شیمیایی و سموم نباتی و ... بوجود می آورد.

آزادی ملیت های ستمدیده: پیدایش دولت های مرکزی در جوامع تحت سلطه امپریالیزم همواره با مداخله مستقیم امپریالیزم و تشکیل دولت های مصنوعی با مرزهای تعیین شده توسط امپریالیزم همراه بوده است. در چنین جوامعی تشکیل دولت قدرتمند مرکزی که قادر به دفاع از منافع امپریالیزم باشد، با اصال ستم ملی بر اقلیت های ملی همراه بوده است. پایان بخشیدن به ستم ملی و بر سرسیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملیت های ستمدیده به یکی از وظایف انقلاب در این جوامع تبدیل می شود.

آزادی زنان: پایان دادن به روابط پوسیده پد رسالارانه و رهایی زنان از چهار دیواری خانه و شرکت آنها در زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه، برای پایان بخشیدن به عقب ماندگی ناشی از سلطه امپریالیزم ضروری است. برای آنکه زنان بتوانند در زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه آزادانه و فعالانه شرکت کنند، تغییر اساسی و ریشه ای در کلیه روابط اجتماعی، قانونی و سنتی جامعه باید بوجود آید. نه تنها کلیه قوانین و سنت های که علیه زنان تبعیض قائل می شوند و شخصیت انسانی زنان را تحقیر می کنند باید ملغی اعلام شوند، بلکه باید امکانات شرکت زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه توسط دولت فراهم گردد. سیستم آموزشی باید به نحوی تغییر پیدا کند که اکثریت عظیم زنان بتوانند در کلیه سطوح آموزشی از ابتدایی گرفته تا آموزش عالی، آموزش ببینند. باید امکانات فراگیری مهارت های فنی برای زنان بوجود آید. باید کلیه تبعیضات که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم علیه اشتغال زنان در حرفه های مختلف وجود دارند از بین بروند. این علاوه بر برابری کامل حقوق و دستمزدها میان زنان و مردان شامل حقوق ویژه ای برای زنان مانند مرخصی در دوران بارداری می شود. علاوه بر این شامل ایجاد تسهیلات برای اشتغال زنان، مانند ایجاد مهد کودک ها می شود. کلیه این اقدامات تنها با مداخله مستقیم دولت و برنامه ریزی اجتماعی ممکن است.

حقوق دموکراتیک: در کلیه جوامع تحت سلطه امپریالیزم، سرمایه داری این جوامع قدرتی ناتوان و ورشکسته است، که تجملی مانند حقوق دموکراتیک برای توده های زحمتکش و ستمدیده را نمی تواند تحمل کند. سرمایه داری این جوامع آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی عقیده، بیان، تجمع و تشکل، آزادی تشکیلات زحمتکشان مانند شورا های کارگران و دیگر زحمتکشان یا اتحادیه های کارگران و دیگر زحمتکشان، را نمی تواند تحمل کند. بجز در موارد استثنایی و آنهم به مدت های کوتاه، استبداد و دیکتاتوری های نظامی بر این جوامع حاکم است.

زندان های سیاسی، تبعید، شکنجه و اعدام در جوامع تحت سلطه مسئله ای هفتگی است. عدم امنیت قضایی دادگاه های سرمایه ای مسئله ای همیشگی است.

هستند ، علیه هرگونه کوششی برای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیزم مقاومت خواهند کرد - این برای آنها مسئله مرگ وزندگی است ، ادامه حاکمیت روابط پوسیده طبقاتی ، در گرو ادامه سلطه امپریالیزم قرار دارد .

تجربه مبارزات به اصطلاح ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی ، درستی این نظر را که هیچ رژیم مدافع سلطه روابط پوسیده طبقاتی قادر به حل وظایف ضد امپریالیستی انقلاب نیست را برای بار دیگر ثابت کرد .

علاوه بر این پایان بخشیدن به عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم ، بدون پایان بخشیدن به نظام پوسیده سرمایه داری ممکن نیست - سرمایه داران و طبقات دارا موقعیت خود را در جوامع عقب افتاده بدون سلطه امپریالیزم و قرارگرفتن تولید در خدمت بازار جهانی سرمایه داری هستند - قرارگرفتن تولید در خدمت اقتصاد جوامع عقب افتاده ، قرارگرفتن تولید در خدمت نیازهای توده های وسیع زحمتکشان و ستمدیدگان در چهارچوب نظام سرمایه داری ممکن نیست - برای اینکار به برنامه ریزی اقتصاد و بازسازی اقتصاد توسط زحمتکشان نیاز است .

استقرار حکومت کارگران و دهقانان : نظریه انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم به ضرورت استقرار حکومت کارگران و دهقانان ، به ضرورت استقرار اقتصاد برنامه تحت کنترل شوراها و کارگران و دیگر زحمتکشان خلاصه می شود - برای رهایی از سلطه امپریالیزم ، برای رهایی از عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم ، برای پایان بخشیدن به کلیه کثافات ناشی از عقب افتادگی و سلطه امپریالیسم برای پایان بخشیدن به ستم و تبعیض ، برای پایان بخشیدن به استبداد و حل کلیه وظایف دموکراتیک انقلاب ، باید به سلطه طبقات دارا و روابط پوسیده طبقاتی پایان داد - باید بازسازی اقتصاد براساس نیازهای توده های وسیع زحمتکش و ستمدیده جامعه ، و برنامه ریزی اقتصاد را در دست کار انقلاب قرار داد .

تنها طبقه کارگر است که می تواند با ارائه برنامه خود ، برنامه ای که به کلیه مسائل توده های زحمتکش و ستمدیده پاسخ می دهد و کلیه خواست های انقلابی آنها را در برنامه انقلابی خود قرار می دهد ، برنامه ای که تنها پاسخ انقلابی به کلیه مسائل انقلاب و جامعه است ، توده های وسیع زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه را بدور این برنامه متحد کند و با استقرار حکومت خود ، با استقرار دولتی کارگری که به پشتیبانی توده های وسیع دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه متکی است برنامه خود را به اجرا بگذارد .

ادامه دارد

توده های زحمتکش و ستمدیده برای رهایی از عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم به آزادی هستی اجتماعی به حق مبارزه برای بدست آوردن کلیه خواست های خرد نیاز دارند - مبارزه برای کسب حقوق دموکراتیک ، مبارزه برای آزادی از استبداد و استبداد ، عقیده و بیان ، تجمع ، آزادی - سازمان ها و تشکیلات زحمتکشان مبارزه برای رهایی از کلیه کثافات فرهنگی و اجتماعی ناشی از عقب افتادگی ، مبارزه برای پایان دادن به روابط استبدادی و پدرسالارانه ، مبارزه برای جدایی مذهب از دولت به یکی از مرکزی ترین وظایف انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیزم تبدیل می شود .

مبارزه برای کسب حقوق دموکراتیک ، در جوامع تحت سلطه امپریالیزم بطور جدایی ناپذیری با مبارزه علیه نظام پوسیده سرمایه داری ، نظامی که بدون حاکمیت روابط استبدادی نمی تواند به سلطه خود ادامه دهد ترکیب شده است - مبارزه برای حقوق دموکراتیک بطور جدایی ناپذیری با مبارزه برای استقرار حکومت کارگران و دهقانان و یکتاتوری طبقه کارگر یا دموکراسی شورایی ترکیب شده است - اما توده های وسیع مردم زحمتکش و ستمدیده جوامع تحت سلطه بدون آنکه از تجربه دموکراسی های پارلمانی بگذرند به ضرورت دموکراسی شورایی کارگران و به برتری آن نسبت به دموکراسی های پارلمانی پی نخواهند برد - بنابراین مبارزه طبقه کارگر برای استقرار دموکراسی شورایی با مبارزه او برای متحد کردن کلیه اقشار زحمتکش و ستمدیده ترکیب شده است - مبارزه برای مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی با مبارزه برای استقرار حکومت کارگران و دهقانان ترکیب شده است .

رهایی از سلطه امپریالیزم : مبارزه برای رهایی از سلطه امپریالیزم ، از مهمترین وظایف انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیزم است - بدون رهایی از سلطه امپریالیزم بدون هیچ از بازار جهانی سرمایه ، بدون معادله کلیه سرمایه های امپریالیستی ، نمی توان به عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم پایان داد .

رهایی از سلطه امپریالیزم معادله کلیه سرمایه های امپریالیستی ، لغو افشای کلیه قراردادهای استبداد و با امپریالیزم ، پایان دادن به مذاکرات مخفی و پشت پرده با امپریالیزم ضروری است .

مبارزه برای رهایی از سلطه امپریالیزم ، با مبارزه برای پایان بخشیدن به روابط پوسیده سرمایه داری ، با مبارزه برای پایان دادن به حاکمیت طبقات دارا و انگل ترکیب شده است - طبقات دارا ، سرمایه داران و زمین داران بزرگ که موقعیت ممتاز خود را بدون سلطه امپریالیزم بر جامعه

تشکیل کنگره سراسری شوراهای کارگری وظیفه مهم در دفاع از انقلاب

بحران

ارائه نمی دهند . تضادهای آنها با زحمتکشان ، و تضادهای درونی آنها بیشتر از آنست که قادر به ایجاد یک دولت باثبات باشند . دولتی که براساس دفاع از منافع سرمایه داران پتسا شود نه می تواند انقلابی و نه قوی باشد . در شرایط انقلابی تنها دولتی می تواند مقتدر بوده و واقعاً و قاطعانه به حل مشکلات اجتماعی بپردازد که بیانگر اراده مردم و زحمتکشان جامعه باشد . تشکیل چنین دولتی تنها بر مبنای شوراهای سراسری کارگران و زحمتکشان ، و تحت رهبری طبقه کارگر صورت می گیرد . ولی برای اینکار طبقه کارگر باید متشکل شود و شوراهای واقعی سراسری خود را ایجاد کند .

اما مهمتر از آن برنامه است . برنامه روشن برای حل بحران اقتصادی ؛ باید دانست که شرایط انقلابی کنونی تنها یک راه حل برای بحران موجود وجود دارد ؛ راه حل کارگری برای بحران کنونی .

بحران کشاورزی امروز از زمان سلطنت پهلوی عمیقتر است . تنها راه حل این بحران تقسیم زمینها مابین دهقانان فقیر و سازمان دادن کشاورزی بر آن اساس است . ولی این کار فقط از عهده شوراهای سراسری و متحد دهقانان و کارگران ساخته است . دولت نشان داده که نه تنها قادر به اجرای این سیاست نیست ، بلکه برای جلوگیری از تقسیم زمینها در بسیاری از مراکز کشاورزی کشتار برآه انداخته است .

صنایع ایران نیز دیگر در چارچوب اقتصاد سرمایه داری بهره کشی ، و تولید بخاطر سود قادر به ادامه حیات نیستند . سرمایه داران به علت مشکلاتی که وجود جنبش کارگری گسترده در راه بهره کشی سرمایه داری بوجود آورده اصلاً تولید را کنار

در جبهه

مساله اینست که هیات حاکم قصد ندارد و نمی خواهد قاطعانه دست به بسیج نظامی برای بیرون راندن متجاوزین بزند . روحانیت حاکم از یکسو و بنی صدر از سوی دیگر از این جنگ برای تثبیت خود سود می جویند و از سوی دیگر برای سرکوب انقلاب و خواست های توده های زحمتکش .

لذا نه می خواهند و نه می توانند امر دفاع از انقلاب در برابر تهاجم نظامی عراق را بعهده بگیرند . دولتست سد راه مبارزه انقلابی طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان علیه تهاجم نظامی و تعمیق و گسترش انقلاب است .

هیات حاکم سرنوشته توده های زحمتکش را به بسازی گرفته است . جنگ برای وی وسیله ای است برای تحقق اهداف و مقاصدش . هیات حاکم از جنگ برای سرکوب مبارزه طبقاتی سود جست است . در حالی که جنگ تضادهای طبقاتی را تشدید کرده است .

روحانیت حاکم در این اوضاع کمربه بازای دولتست سرمایه داری و سرکوب انقلاب زده است . تهاجم های گاهگاهی نیز در خدمت این هدف تکرار دارد . روحانیت با بنی صدر بر سر "عنائم جنگ" دعوا و مرافعه دارد .

گذاشته و صنایع ایران را به کار زیر ظرفیت و زکود کشاند . اندک آنهم در شرایطی که میلیونها بیکار در مملکت وجود دارند . باید کارخانه های بزرگ تحت کنترل شوراهای کارگری ملی شده و براساس برنامه ریزی شورای سراسری تحت کنترل کارگران اداره شوند . شوراهای کارگری می باید برای حل بحران بیکاری به استخدام کارگران بیکار پرداخته و با بالا بردن سطح تولید و پائین آوردن ساعات کار ، زمینه ایجاد کار برای آنها را فراهم کنند .

بانک ها و مراکز اصلی اعتبارات مالی کشور نیز باید به همین ترتیب تحت کنترل زحمتکشان درآیند . چون بدون کنترل کردن مراکز اصلی اعتبارات مالی ، کنترل اقتصاد غیر ممکن است . به این ترتیب است که زمینه برای حل بحران فراهم می شود . و دولتی نیرومند برای جنگ واقعی با امپریالیزم ، برای ریشه کن کردن پایگاههای امپریالیزم در ایران و سپس در منطقه ، بوجود می آید .

ولی برای اجرای این برنامه قبل از هر چیز باید سازمان ها و تشکیلات زحمتکشان ایجاد شوند و گسترش یابند . به این دلیل است که طبقه کارگر باید در مبارزات دمکراتیک ، که هم اکنون بر علیه استبداد موجود ، در مبین ما جریان دارد شرکت کند . و در این تیرود بر حقوق دمکراتیک طبقه کارگر برای گسترش مبارزه طبقاتی خویش علیه ظلم و استثمار تکیه بگذارند ، و بسا مطرح کردن برنامه دمکراتیک واقعی ، یعنی حق آزادی کامل تشکل ، سازماندهی ، مبارزه و بیان ، زحمتکشان رهبری این مبارزات را در دست گیرند . در پطن این مبارزه است که سازمان های سراسری مبارزه شکل می گیرند و زحمتکشان آماده نبرد نهائی برای حل بحران و ریشه کن کردن پایگاههای امپریالیزم در ایران ، و متلاشی کردن نفوذ امپریالیزم در منطقه می شوند .

تنها هنگامی حمله می کند که نفعی برایش داشته باشد . چهار ماه می گذرد و بعد دست به یک حمله می زند . سازش آشکار با امپریالیزم آمریکا را به انجام رسانیده مانسد . آنان از این هرج و مرج اقتصادی سود برد مانند . مساله جنگ مبارزه علیه امپریالیزم و رفع بحران کنونی ، هرج و مرج اقتصادی و سرکوب فزاینده ، مساله حاکمیت مردم را مطرح کرده است . حاکمیت روحانیت بنقد و رشکستگی و ضد انقلابی بودن خود را عیان کرده است . آن نیرویی که بتواند به تمام مصائب و مشکلات پاسخ گوید چیزی جز شوراهای کارگری نیست که باید متحد بشوند و راه حل انقلابی را پیش بگذارند . در برابر حاکمیت روحانیت ، مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی را بنشانند . تکالیف اساسی انقلاب ایران را حل کنند . حکومت کارگران و دهقانان را برقرار بنمایند .

رهبری جنگ را نه تیسارها ، سرهنگ های ارتش می توانند بعهده بگیرند و نه روحانیت حاکم . زیرا آنان از جنگ برای مقاصد خود یعنی سرکوب دموکراسی استفاده می کنند . رهبری ارتش باید در دست شوراهای سربازان قرار بگیرد . مسائل جامعه و جنگ یعنی مسائل زحمتکشان را فقط یک مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی می تواند و باید حل کند .

کند . و واضح است که اگر وضع زندگی زحمتکشان روز بروز بدتر می شود ، اگر بیش از یک میلیون نفر نیز آواره شده باشند ، برای هیات حاکم اصلا اهمیت ندارد . وی جنگ را طولانی می کند تا حاکمیت خود را محکم بکند . ارتش را بسازد و - تیمسارها را قدرت ببخشد . اگر این تیمسارها ، سرهنگ ها روزی کودتا کنند ، برای هیات حاکم اهمیتی ندارد . زیرا هیات حاکم از توده ها بیشتر می ترسد تا از کودتاچیان .

حمله موفقیت آمیز اخیر نیز در همین محتوا قرار دارد . جامعه در یک بحران عمومی گرفتار شده است . جنگ مبارزه طبقاتی ، یعنی مبارزه بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری مذهبی را شدیدتر کرده است . و از اینرو می رود تا کل هستی سرمایه داری ایران و دولت مدافع آنرا بخطر بیاندازد . اهدافی که هیات حاکم ، روحانیست حاکم از جنگ جستجو می نمود ، دارد به ضد خود تبدیل می شود . این واقعیت را هیات حاکم به روشنی دید . در نتیجه برای هیات حاکم راه خروج ، راه حل موقتی برای کاهش بحران در یک تهاجم نظامی نهفته بود . از اینرو دست به حمله تهاجمی زد و تبلیغات گسترده ای حول آن آغاز نمود . فرماندهان کودتاچی و سرکوبگر سیر که مدت ها از حمله امتناع می کردند به ضرورت آن پی بردند . اما این تهاجم در شرایطی انجام می پذیرد که سازش آشکار با امپریالیسم آمریکا جریان دارد و به نظر می رسد که دولت جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا در ظاهر بر سر مساله گروگان ها و در واقع بر سر سازش نهایی ، به توافق دست یافته اند . تهاجم موفقیت آمیز ، اخیر نشان داد که مساله کمبود تجهیزات نظامی و سلاح های سبک و سنگین نیست ، بلکه

های نیام ، شوراهای کارگری و نیروهای مترقی و انقلابی بیشتر حمله کرده است تا علیه تهاجم عراق . کارنامه اعمال هیات حاکم در این چهارماه بقدر کافی گویا است .

اگر دولت جمهوری اسلامی و در راس آن روحانیست حاکم ، از تسلیح توده ها هراس نداشت ، از توده ها وحشت نداشت ، از شوراهای سربازی نمی ترسید ، از شوراهای واتعی کارگران هراس نداشت و در یک کلام از گسترش و تعمیق انقلاب بیشتر از تهاجم عراق و بالاتر از آن بیشتر از تهاجم مستقیم امپریالیسم آمریکا نمی ترسید ، تهاجم نظامی عراق مدت ها قبل می توانست نبادگی سر بشود . اما از آنجا که هیات حاکم خود لگدمال کردن دست آورد های قیام را وجه همت خود قرار داده است ، از تهاجم نظامی عراق بگریزی نشدید حمله به انقلاب سرود جسته است .

در این شرایط که به بهانه جنگ به حقوق زحمتکشان یورش می برد ، در عین حال ارگان بسیج اقتصادی را - می سازد تا در پناه آن تمام امکانات دولتی را در اختیار سرمایه داران قرار بدهد ، تهیه کالاهای اولیه سرمایه داران را شخصا به عهده گرفته و تسهیلات وارداتی را تضمین کرده است . در حالی که برای زحمتکشان نقش آریاب و بیابا برده دار را بازی می کند ، برای سرمایه داران و زمین داران و تجاوز نقش پدر مقدس را به عهده گرفته است . البته تعجیبی هم ندارد . دولت جمهوری اسلامی همواره نقش پدر مقدس نظام سرمایه داری را داشته است .

به این دلایل است که دولت جمهوری اسلامی این جنگ را طولانی می کند تا بتواند اهداف خود را علیه انقلاب به انجام برساند ، تا بتواند حاکمیت خود را تثبیت

فرماندهان ارتش در جبهه ها چه می کنند؟

فرماندهان ارتش می بینند ، آنها برای تقویت موقعیت خود ، از تخریب مقاومت در برابر تهاجم نظامی ارتش عراق نیز خودداری نمی کنند .

فرماندهان ارتش جهت پیشبرد اهداف خود حتی از به خطر انداختن زندگی سربازان نیز خودداری نمی کنند . بعنوان نمونه در جبهه نزدیک پل کرخه ، سربازانی را که نسبت به بی عملی آنها اعتراض داشتند ، زدلیل آنکه چرا فرماندهان آنها را درگیر جنگ نمی کنند ، فرماده گسردان دستگیر می کند ، ولی در برابر اعتراض سربازان مجبور به عقب نشینی می شود . ولی برای آنکه زهر چششی از سربازان گرفته باشد آنها را برای جنگ چریکی به خونین شهر اعزام می کنند . این دستور فرماندهان گردان با صدور حکم اعدام کوچکترین تفاوتی نداشت . سربازانی که برای جنگ چریکی هیچ گونه آموزش قبلی ندیده بودند ، باید در منطقه تحت کنترل ارتش عراق در خونین شهر مین گذاری کنند . صرف نظر از آنکه چنین شیوه جنگ چریکی تاثیری در پیشبرد مقاومت ندارد ، خود کشی محض هم به حساب می آید ولی فرماندهان ارتشی برای پیشبرد اهداف خود ، از قربانی کردن سربازان هم کوتاهی نمی کنند .

تاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران ، به بهانه ای برای بازسازی دولت سرمایه داری در دست هیات حاکم تبدیل شد . آنها به بهانه ضرورت های جنگی و استفاده از تخصص ، متخصصین ، فرماندهان کودتاگر ارتشی را دوباره بر راس است قرار داده اند . سیاست های ضد انقلابی دولتشان به عاملی جهت تخریب مقاومت در برابر تهاجم نظامی - طولانی شدن جنگ و در نتیجه فرسوده شدن نیروهای انقلاب ایران تبدیل شده است .

نقش تخریبی فرماندهان ارتشی ، در جبهه ها بر کمتر کسی پوشیده است . آنها از جنگ وسیله ای برای تحکیم موقعیت خود و بازسازی نظام اطاعت کورکورانه در ارتش درست کرده اند . آنها با طفره رفتن از جنگ ، اهداف ضد انقلابی خود را دنبال می کنند . فرماندهان ارتشی برای ادامه جنگ خواستار خروج نیروهای مقاومت مردم محلی و سپاه پاسداران از جبهه شده اند . هدف سیاست های ضد انقلابی آنها کاملا روشن است . آنها وجود نیروهای مسلح دیگر را در کنار سربازان عامل برهم خوردن نظم درون ارتش و مانعی در راه بازسازی نظام اطاعت کورکورانه و بی چون و چرایی

در جبهه چه می‌گذرد؟

اما سئوالی که فوراً برای زحمتکشان مطرح می‌شود اینست که چرا پس از چهار ماهی که از شروع تهاجم نظامی عراق می‌گذرد، این اولین کوششی است که برای به عقب راندن آن صورت می‌گیرد؟ اگر درست است که روحیه سربازان عراقی در نازلترین سطح قرار دارد و اگر درست است که قسدرت رزمی ایران تا بدان حد است که بتواند این تهاجم نظامی را به راحتی به عقب راند، پس چرا تاکنون به اینکسار مبادرت نشده است؟

پاسخ سئوال فوق مشکل نیست. علل طول کشیدن جنگ و تعلل در عقب راندن تهاجم نظامی عراق را باید در عملکرد و ماهیت دولت و هیات حاکم جستجو کرد.

مهم‌ترین جنبه تهاجم نظامی عراق به ایران در حقیقت تهاجم نظامی به انقلاب ایران بود. دولت جمهوری اسلامی که خود تاکنون انقلاب ایران، دست‌آوردهای قیام بهمن و بالاخره مبارزات ستم‌پدگان و زحمتکشان را در کردستان، ترکمن صحرا، بحرین، در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مزارع و - خیابان‌ها به خون کشیده است، نفعی در دفاع از انقلاب ندارد. بلکه وی در جستجوی منافع خویش است.

هیات حاکم این جنگ را دست‌آویزی برای ساختن ارتش سرکوبگر شاهنشاهی و سپاه پاسداران، برای سرکوب سربازان و شوراها، برای گماردن فرماندهان کودتاگر و خلاصه تقویت ابزار سرکوب دولتی قرار داده است. هیات حاکم از این جنگ به‌عنوان دست‌آویزی برای سرکوب بیشتر خلق کرد ملیت‌های ستم‌دیده به‌طور کل، استفاده کرده است. هیات حاکم از جنگ برای حمله به حقوق کارگران سرکوب شوراها، واقعی کارگران، برای حمله به حقوق دموکراتیک کارگران، برای استثمار شدیدتر و بیشتر کارگران تحت عنوان تولید بیشتر، برای تحمیل و سرکوب توده‌ها، برای سرکوب آزادی‌های مطبوعات، بیان، جمعاعات، تظاهرات، تحصن و غیره بهره‌جسته است. به بهانه جنگ حمله به حقوق دهقانان را آغاز کرده است (حتی بند (ج) مربوط به طرح واگذاری زمین را مسکوت گذارده).

جنگ برای هیات حاکم تبدیل به توجیه ورشکستگی سیاست‌های اقتصادی شده است. بهانه‌ای برای سازش آشکار با امپریالیسم آمریکا گردیده است. جنگ وسیله‌ای برای تصفیه حساب‌های درون هیات حاکم شده است. بالاخره برای هیات حاکم، جنگ فرصت مناسبی است تا آخرین ضربه را به انقلاب ایران بنوازد. بی‌سبب نبود که در آغاز تهاجم نظامی روحانیون حاکم یکصدا گفتند: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد».

هیات حاکم در این چهار ماه علیه انقلاب و دستاورد -

روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و تمام رسانه‌های گروهی «جمهوری اسلامی ایران» روز سه شنبه، ۱۶ دی ماه، «پیروزی بیسابقه سپاه اسلام علیه ارتش تجاوزگر عراق» در روز دوشنبه ۱۵ دی ماه، را خبر دادند. در این حمله تهاجمی برآساس خبرهای خبرگزاری دولتی، گویا «یک لشکر کامل عراق در جبهه جنوب نابود شد». «۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر از سربازان عراقی اسیر شدند». «دشمن ۲۰ کیلومتر به عقب رانده شد» و «فنایم غیرقابل شمارشی» بدست آمد.

در پی این «پیروزی بیسابقه»، موج تلگرام‌های تبریک از سوی سردمداران «جمهوری اسلامی»، روحانیت حاکم، رد و بدل گردید. بنی‌مد رب‌آیت الله خمینی خبر پیروزی را تلگراف زد. حجت الاسلام خامنه‌ای در مصاحبه‌های مطبوعاتی شرکت کرد و این پیروزی را مزه، داد.

بهرحال، تبلیغات گسترده‌ای براه افتاد. تا از این موقعیت ایجاد شده حداکثر استفاده بشود. جناح‌های هیات حاکم هر کدام کوشیدند پیروزی فوق را به حساب خود وارز کنند و از آن برای تحکیم موقعیت خویش بهره‌برداری نمایند. روحانیت حاکم این پیروزی را پیروزی خویش دانست و آنرا نشانه هشدارهای مداوم خود به حساب آورد. بنی - صدر، از سوی دیگر، پیروزی را نتیجه فعالیت‌های خود در جبهه و تلاش خستگی‌ناپذیرش در بازسازی ارتش خواند.

روحانیت حاکم برای اینکه حداکثر بهره‌برداری را بکند، حداکثر اغراق رانیز جایز و روا شمرد تبلیغات را گسترده‌تر کرده و آنرا بیش از اندازه واقعی جلوه دادند. اگر چه - سانسور بر مطبوعات و رادیو تلویزیون و دیگر رسانه‌های گروهی شد پیدا حکمفرما است، اما معذالک توده‌ها به تجربه در یافتن آنکه اغراق‌ها و دروغ‌های هیات حاکم را کمتر باور کنند، مخصوصاً اینکه پس از گذشت چهار ماه از جنگ ماهیت ادعاهای هیات حاکم برای توده‌های زحمتکش آشکار شده است. در این چهار ماه توده‌ها درس‌های مهمی کسب کرده‌اند.

در اینجا لازم نیست وارد جزئیات و اغراق‌گویی‌های هیات حاکم بشویم. حقیقت اینست که تهاجم نظامی علیه تروورها، متجاوز موقیت‌آدمیز بوده است. این حمله موقیت‌آمیز حقایق مهمی را عیان و آشکار می‌کند، حقایقی که دولت جمهوری اسلامی سعی کرده آنرا پرده پوشی بنماید.

تهاجم نظامی که با عقب راندن ارتش عراق و تسلیم سربازان عراقی با موقیت محدود انجام شد، نشانگر دو حقیقت است اولاً اینکه روحیه سربازان عراقی چقدر ضعیف است و چگونه بدون مقاومت موثر حاضر به تسلیم هستند. دوم اینکه قدرت رزمی ایران بسادگی امکان دفع تهاجم نظامی عراقی را می‌دهد.